



این روزها چهره ی شهر را دگرگون تر از همیشه می بینیم، خیابان‌ها کنده شده... از نظر تاریخی آشفته، بسته بودن برخی خیابان‌ها و... همه ی اینها برای آبادانی است! آن آبادانی که همه از زویش را دارند، ساختن مدینه ی فاضله‌ای که در ذهن ما نمی‌گنجد! اما در کنار این همه آشفته‌گی خیابان‌ها که رو به پیش آمده ی روش

قابل توجه مسئولان استان تزوین

کودکان خیابانی

پیش می رود چیزی دیگر را می بینیم که خود را به خوبی نمایان کرده است؛ «کودکان خیابانی». البته این مطلب، چشم تازه ای نیست اما در ده سال اخیر به طور چشم گیری با رونق رو به رشد و فزاینده ی کودکان خیابانی روبرو هستیم که بر سر هر چهارواهی با دست داشتن اسپندناز با آداسی یا چیزهای دیگری ترحم را دارندگان را به خود جلب کرده و کنده گری جدید انجام می دهند یا بر سر گلر زان چادرنه به سری که بر زمین نشسته و گاه کودکی در بغل دارد و از عابرین برای تهیه ی آب و دارو و شناساس سوزناکی می کنند. علت این نوع از معضله اجتماعی چیست؟ ویشه ی آن از کیجاست؟ آیا اینان واقعا فقیر هستند و مستزم کمک و ترحم؟ و یا زیر نظر گروه خاصی از متکدیان مدرن اداره و کنترل می شوند و یا برای دست آوردن نیازهای اولیه ی بشری تن به هر کاری می‌دهند؟

یکی از آسیب های جدی که جامعه ی ما را تهدید می کند گسترش روزافزون کودکان و زنان خیابانی است که به دلایل گوناگون بخشی یا همه ی زمان خود را در ناگذاردار در ابتدای ده چندان دور برای جامعه می باشد. تحولات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به رشم تبعات مثبت برای نظام ها و جوامع گوناگون، منشا برخی مسایله و مشکلات اجتماعی نیز هست. این مشکلات که مبتدا در کشورهای در حال توسعه، به دلیل عدم نظارتی قابل توجهی است؛ اقتصادی یا فرهنگی باشد و به وجود می آید، تکلف عمیقی میان افکار مختلف جامعه ایجاد می کند.

کودکان خیابانی به چه کسانی گفته می شود؟

کودکان خیابانی معمولا به کودکان و نوجوانان زیر



مهناز اسماعیلی - کارشناس ارشد میانی حقوق

طول روز مشغول به کارند و شب ها نزد خانواده هایشان برمی گردند. این کودکان ممکن است از امکانات اجتماعی مانند مدرسه و ارتباط با گروه های دیگر اجتناب می نهند. در صورت عدم کمک و توجه نوجوانانی که هم در خیابان ها کار می کنند هم احتمالا ارتباطاتی با خانواده شان دارند. بر اساس برآوردها ۷۵ درصد از کودکان و جوانان از گروه اول و ۲۰ درصد از گروه دوم اند. ۵۰ درصد باقیمانده ی آنها هستند که معمولا در خیابان ها به سر می برند و هیچ گونه ارتباطی با خانواده هایشان ندارند البته می توان به این نکته ی مهم اشاره کرد که بسیاری از این کودکان، چه در دسته ی اول و یا در دسته ی دوم باشند برای افرادی که به صورت اشتغالی آنان را به کار گرفته اند کنده گری می کنند و درستی از درآمد خود را به این افراد می دهند. آنان عاید چندین کودک و نوجوان و یا حتی زنان را بر رهاست گرفته و کار و از ارای دادن غذا یا مکان خواب وادار به چنین آنان می کنند.

گروه های سوجر به صورت باقوتی یا گروه های تپهکاری و سداصلاح اجتماعی عمل کرده و گاه از کودکان استفاده های جنسی نیز می کنند. عوامل مؤثر در گسترش پدیده ی کودکان خیابانی عوامل گوناگونی در پیوندی هستند گسترش این پدیده مطرح شده است و اگرچه برخی از این موارد در قالب مشکلات خانوادگی و اجتماعی است اما باید توجه داشت که بسیاری از مشکلات جامعه متاثر از مشکلات خانوادگی است. از عوامل عبارتند از: - پدرتفاری پدر و مادر یا پدرخوانده یا مادرخوانده با کودکان و جوانان - مهاجرت دسته جمعی خانواده ها از روستاها به شهرها و آوارگی روحی و معنوی اطفال در محیط های نامناسب - منطبق نبودن وضع زندگی و عادات و اخلاق روستاییان با تمدن شهری

- ایجاد نظام پرورشی و آموزشی پیش دبستانی رایگان برای محرومان - ایجاد و تقویت نظام مشاوره در دوره ی راهنمایی دبیرستان - تقبلیه ی کودکان در مناطق محروم - بازشناسی مناطق محروم شهری و تشدید خدمات اجتماعی، رفاهی، بهداشتی، درمانی - تشدید حمایت از خانواده ی زندانیان پروژه از کودکان - ایجاد مراکز مصالحه ی قبل از دادگاه برای کودکان و نوجوانان بزهاکار و مجرم - ایجاد پناهگاه در مراکز تجمع و پاتوق ها و پابانه ها و پارک و منظور جلوگیری از لغزیدن کودکان کار و سرگردان و متروایی به سمت گروه های تپهکاری و آلوده - بازگرداندن سریع کودکان فراری و خیابانی یا حمایت به شیوه ی مددکاری به بستر خانواده و حمایت بلندمدت از آنان - معاضدت حقوقی کودکان و نوجوانان که توسط قاضی و نزدیکان نسبی و رسمی مورد واقع شده اند. - ایجاد مراکز نگهداری و نگهداری حرفه ای از کودکان آسیب پذیر به صورت دائمی و تقویت مراکز بهداشت خانواده در جهت آموزش و تحقیق و ایجاد نظام مددکاری در مراکز یاد شده منظور آموزش فرهنگ کنترل موالبه و موالبه از رشد خانوارهای آسیب پذیر برصحتت - تقویت دادگاه های خانواده و ایجاد مراکز مشاوره و معاضدت قضایی در کنار این دادگاه ها به منظور شناخت بستر آسیب های اجتماعی و عمل گسترش یی رویه ی پدیده ی طلاق و اعتیاد والدین به مواد مخدر و برنامه ریزی های لازم - منظور پیشگیری - آموزش مراکز آموزشی و مشاوره ی پیش از ازدواج به صورت حداقل یکصد سالم آموزش در زمینه های مختلف خانواده های سالم، حقوق زوجین، آیین همدراری و... و الزامی کردن آموزش برای کلیه ی زوج های که قصد ازدواج دارند. - پرورش کودکان در دوره های آموزش پیش دبستانی برای قبول سطح ها و مشکلات و آگاه کردن آنان با واقعیت های زندگی و تجربین زندگی - ایجاد ارتباط منطقی والدین با کودکان و پذیرفتن این که کودک نیز انسانی است مثل خود آنها، همچنین بهره گیری والدین از شیوه های کاربردی تربیتی - آموزش کودکان و والدین طلاق و معناد به منظور قبول واقعیت های موجود نوع برخورد با پیش از اتفاق ناگوار جدایی و یا برخورد با والدینی که معناد هستند و راهکارهای اصلاحی مسیحح آن را طریق فرگم سازی درست. - ایجاد مراکز مشاوران مستتر آن مشاوران تخصصی تقاضامندی که نسبت به جرم جنوری و هدایت صحیح کودکان خیابانی به سوی یک زندگی سالم و عادی گورشا بوده و در مورد این پدیده ی شوم اجتماعی سوولیت پذیری بیشتر داشته و پاسخگو باشند.



از نندید! آجای تعجب دارو. اولا به بیماری بزرگ و برآورده نشدن نیازهای اولیه مثل غذا و مسکن و پوشاک - کمبود فرصت های شغلی در جامه و اشتغال کودکان و نوجوانان به مشاغل کانظیر واکس زدن، سیگارفروشی، دستفروشی، روزنامه فروشی، پاک کردن اتومبیل ها و اسپند دود کردن و... در چهارراه ها معمولاً در خیابان ها به سر می برند و هیچ گونه ارتباطی با خانواده هایشان ندارند البته می توان به این نکته ی مهم اشاره کرد که بسیاری از این کودکان، چه در دسته ی اول و یا در دسته ی دوم باشند برای افرادی که به صورت اشتغالی آنان را به کار گرفته اند کنده گری می کنند و درستی از درآمد خود را به این افراد می دهند. آنان عاید چندین کودک و نوجوان و یا حتی زنان را بر رهاست گرفته و کار و از ارای دادن غذا یا مکان خواب وادار به چنین آنان می کنند.

گروه های سوجر به صورت باقوتی یا گروه های تپهکاری و سداصلاح اجتماعی عمل کرده و گاه از کودکان استفاده های جنسی نیز می کنند. عوامل مؤثر در گسترش پدیده ی کودکان خیابانی عوامل گوناگونی در پیوندی هستند گسترش این پدیده مطرح شده است و اگرچه برخی از این موارد در قالب مشکلات خانوادگی و اجتماعی است اما باید توجه داشت که بسیاری از مشکلات جامعه متاثر از مشکلات خانوادگی است. از عوامل عبارتند از: - پدرتفاری پدر و مادر یا پدرخوانده یا مادرخوانده با کودکان و جوانان - مهاجرت دسته جمعی خانواده ها از روستاها به شهرها و آوارگی روحی و معنوی اطفال در محیط های نامناسب - منطبق نبودن وضع زندگی و عادات و اخلاق روستاییان با تمدن شهری

بیماری های مختلف و خطرناک و پیامد این گرنه زندگی شهرهای بزرگ و برآورده نشدن نیازهای اولیه مثل غذا و مسکن و پوشاک - کمبود فرصت های شغلی در جامه و اشتغال کودکان و نوجوانان به مشاغل کانظیر واکس زدن، سیگارفروشی، دستفروشی، روزنامه فروشی، پاک کردن اتومبیل ها و اسپند دود کردن و... در چهارراه ها معمولاً در خیابان ها به سر می برند و هیچ گونه ارتباطی با خانواده هایشان ندارند البته می توان به این نکته ی مهم اشاره کرد که بسیاری از این کودکان، چه در دسته ی اول و یا در دسته ی دوم باشند برای افرادی که به صورت اشتغالی آنان را به کار گرفته اند کنده گری می کنند و درستی از درآمد خود را به این افراد می دهند. آنان عاید چندین کودک و نوجوان و یا حتی زنان را بر رهاست گرفته و کار و از ارای دادن غذا یا مکان خواب وادار به چنین آنان می کنند.

تنبیه بدنی کودک چرا؟



محمد حسین نعمتی فرزند مهناز کارشناس مدیریت صنعتی

تنبیه بدنی کودک را نه تنها مجاز نمی دانند بلکه بر عدم کارایی و اثر منفی آن اصرار دارند که مارکتو می گوید از کودکان تنگ خورده و بی اراده بعدها با آدم های ضعیف و هیچ کاره به بار می آید و با آدم های قدرلی که در تمام مراحل زندگی به دلیل جهانات روحی دوران کودکی، انتقام جاتی می مانند اما با درنگس کناسل دیگر تنبیه محدود بدنی را اصلاح گر و یا دست کم عبرت آموز و بازدارنده می دانند. به عنوان مثال دو صاحب نظر غربی می نویسند «اگر گرفتاری که می خواهید باعث از آن شوید بسیار خطرناک یا ناخوشایند باشد در آن صورت تنبیه به روش های برای آن رفتار خوبی نیست در همین راستا دکتر سیف می نویسد ما باید به زبان هایمان از تنبیه و سایر روش های تنبیهی بهتر است هرگز از آن به عنوان روشی برای اصلاح استفاده نشود... در این حال ممکن است رفتار خردناخ و خشم و خطرناک باشد که هیچ روش دیگری جواب ندهد و کاربرد روش تنبیه بدنی و سایر سبک های تنبیه بدنی در رفتار نامطلوب فردا سبب مشکلات و بقیای او با دیگران را تهدید می کند. بسیاری از صاحب نظران بر این اصرار دارند که در جهان امروز از نظر علمی، تربیتی، تنبیه کودکان، ممنوع و نامرغوب است و حتی برای تنبیه این فرسوع درصدم شکل دادن به یک برآجای جهنته هستند اما ۱۹ پیمان نامه ی حقوق کودکان مصوب سال ۱۹۸۸ بر منوعیت هرگونه بدرفتاری و خشونت از جمله تنبیه بدنی کودک توسط والدین و مربیان تاکید می کند. این در حالی است که به گفته ی جناب جهانی پیر ۱۰۶ کشور ایران دادن به تنبیه بدنی کودکان حداقل ۱۰۶ کشور استفاده از تنبیه بدنی در مدارس و ۱۲۷ کشور استفاده از تنبیه بدنی در مراکز نگهداری کودکان ممنوع نیست تا به امروز تنها ۱۶ کشور استفاده از تنبیه بدنی در خانه ممنوع اعلام شده است.

والدین دانسته و به تربیت و پرورش طفل در ابعاد جسمی، عقیدتی، اخلاقی و عقلی تاکید و تأکید دارند. برخی از اصول و محورهای رفتار با کودک در اسلام عبارت است از: کرامت کودکان، مصلحت محوری و خیرخواهی، مهرورزی و ترحم، آسان گیری و شفقت، جلوگیری از زیان و خشونت بدنی و بدعادت و سداصلاح و بازدارنده ی والدین، ایستاد به طول انجامده، کودک وحی در مهر و محبت با او نه افراط را می پسندد و نه تعریف و تکرانه را. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «بدترین پدران کسی است که در نیکی و محبت به فرزند خود به زیاده روی و افراط کشیده شود.»

دیدگاه دینی در مورد تنبیه بدنی از این قرار است:

- ۱- دیدگاه دینی کودک فایده سوولیت کفیزی اند و محکوم کردن آنها در دادگاه و کفیر دادندان ممنوع است؛ زیرا آنان تکلیف ندارند از این و این روئی توراوند و مواخذه و مجازات شوند. حضرت علی (ع) می فرماید: «مجازات تکلیف و مواخذه از کودک در دادسته است اند تا زمانی که به حد بلوغ برسد.»
- ۲- از منظر دینی بهترین هدف و رسالت ما نسبت به کودکان، هدایت و اصلاح طفل و آموزش ارزش های انسانی به اوست و هرگونه رفتار و اقدامی که به علت نادرستی یا خشونت آمیز بودن مخالف این هدف باشد تقصیر غرض بوده و باید از آن جلوگیری به عمل آورد. نفس خرد و رفتار و برخورد با کودکان باید براساس اصول بنیادین کرامت و مصلحت و برپایه ی مهرورزی، سلسوزی و آسان گیری باشد. این اسلام که حتی از خودی بدرفتاری با حیوانات را نمی دند می گمانم در مورد کودکان با اهتمام خاصی که به تربیت آنان دارد اجزایی تنبیه و بدرفتاری را نمی دهد.
- ۳- در مورد صورت سبب و خوب و بد را تشخیص می دهند در صورت سبب و سبب و ناسازگاری آنان، شیوه ها و راهکارهای متنوعی در تعالیم اسلام وجود دارد که از جمله می توان به: الگوسازی، سالم سازی، محیط (دوستان، معلم و...)، ملامت و سرزنش متعادل، و تربیت و تنبیه کودک اگر به طور وسیع مورد استفاده قرار گیرد نه تنها با اهداف اصلاحی و تربیتی بیگانه است بلکه آثار و پیامدهای ناگوار را نیز به دنبال دارد. مکتب در مورد روش های تربیتی کودکان دارد
- ۴- در مورد کودک مینیز که خوب و بد را تشخیص می دهند در صورت سبب و سبب و ناسازگاری آنان، شیوه ها و راهکارهای متنوعی در تعالیم اسلام وجود دارد که از جمله می توان به: الگوسازی، سالم سازی، محیط (دوستان، معلم و...)، ملامت و سرزنش متعادل، و تربیت و تنبیه کودک اگر به طور وسیع مورد استفاده قرار گیرد نه تنها با اهداف اصلاحی و تربیتی بیگانه است بلکه آثار و پیامدهای ناگوار را نیز به دنبال دارد. مکتب در مورد روش های تربیتی کودکان دارد

دست می دهد و آثار مناسب تری از به بار می آورد. **دیدگاه حقوقی و قانونی در ایران** به موجب قانون مدنی ایران پدر و مادر موظف اند با معنوقی و همدلی و به تربیت و شکل گیری شخصیت کودک بپردازند. در ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی مقرر می نماید: «پدرین (پدر و مادر) مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش به حسب مقتضای اقدام کنند و در این امر ملزم نگارند. در ماهی ۱۱۷۹ این قانون مقرر شده است (پدرین حق تنبیه طفل خود را دارند ولی به استناد این قانون نمی توراوند طفل خود را خارج از حدود تادیب و تنبیه نمایند) در ماده ۵۹ قانون مجازات اسلامی آمده است. اعمال زیر جرم محسوب نمی شود: اقدامات والدین و اولیای قانونی و سپرستان صغار و مجبورین و همچنین در مورد از خشونت با آنها ترویج کننده است. نسبت به تحکیم بیهوشی فرهنگی و علمی خانواده و رفع معضلات دینی و روانی آنان اقدام شود و آموزش آنان در اولویت قرار گیرد.

- ۱- تشنه های حمایتی مددکاری مثل پلیس اطفال، دادگاه های خاص، بهزیستی، حمایت از کودکان آسیب دیده و نهادهای اجتماعی و آموزش تقویت و با تأسیس شود.
- ۲- در صورت انجام خشونت فزاینده علیه کودکان، از قوانین و احکام حکومتی نسبت استفاده شود.
- ۳- مشاوره های ازدواج، شغل، بچه داری، همدراری و تعلیم و تربیت افزایش یافته و تقویت شود.
- ۷- الگوری خانواده ی سالم، والدین سالم و فرزندان سالم تولید شود.
- ۸- مبارزه با مواد مخدر یا محرکات و گردان آنها، و مشورت با الگوری با دقت و رفتار ادامه یابد.
- ۹- اوقات فراغت فرزندان والدین و مربیان پرچار و جهت مند شود.
- ۱۰- سپردن سوولیت ها در حد توان و بضاعت به کودکان نوجوانان نه تنها موجب رشد شخصیت آنان می شود بلکه به آرامش و سلامت روحی و جسمی آنان کمک خواهد کرد.

منابع:

- ۱- فرقاتی، منصور، مبانی فقهی و حقوقی جرایم و تادیب کودک
- ۲- گنجی تیل ال و برلایجر، بودیسدی، و روانشناسی تربیتی، ترجمه غلامرضا فوی نژاد و همکاران
- ۳- سیف، علیر، تغییر رفتار و رفتار درمانی (الحرر العلمایی، ج ۱، ناچ ۱۵، صفحه ی ۱۹۷ و ج ۱۸ صفحه ی ۳۳۹